**طالبان به جان همدیگر افتاده اند**

**نویسنده: ران مورو**

**برگردان به فارسی: ع. ع**.

طلبان را نمیشود به سادگی نیروی شکست خورده پنداشت. با وجود آنکه تعداد زیادی از جنگجویان و فرماندهان آنها کشته شده اند و چندین منطقه در جنوب افغانستان از اداره ی آنها بیرون ساخته شده است، آنها کماکان به حمله های انتحاری، بمب گذاری های کنار جاده ای و حمله های راکتی -- مانند حمله ای که منجر به سقوط یک بالگرد امریکایی و کشته شدن ۳۸ تن از نیروهای ویژه امریکایی و افغان شد -- ادامه میدهند. با در نظر داشت کشته شدن ۶۸ تن از نیروهای ائتلاف، چنان مینماید که ماه آگست مرگبارترین ماه سال ۲۰۱۱ برای نیروهای امریکایی بوده است.

اما طالبان اکنون به جان همدیگر افتاده اند. رقابت های قومی و نزاع بر سر پول و منابع، در صفوف آنها پراگندگی به بار آورده است. یک درگیری میان گروهی در ماه جولای این کشمکش را برجسته تر ساخته است. بنا بر گزارش های رسیده به دیلی بیست، در جریان این درگیری، یکی از پنج فرمانده ارشد طالبان، پس از لت و کوب، اسیر و زندانی شده است.

این اختلاف ها بر محور مولوی حبیب الله، یکی از اعضای برجسته قبیله نورزی، میچرخند. وی به عنوان رییس یک مدرسه ی بزرگ در شهر گردی جنگل ایالت بلوچستان پاکستان، یکی از رهبران با نفوذ و طرفدار طالبان در میان افغان هایی ساکن در امتداد مرز است. او همچنان، پشتیبان بزرگ پولی ملا باز محمد، یکی دیگر از سران نورزی و فرمانده قدرتمند طالبان در ولایت غربی فراه، نیز میباشد. ملا باز محمد و جنگجویان وی به علاوه گرفتن پول از مولوی حبیب الله، منابع دیگر مالی را در درون قلمرو خود مانند باج گیری، آدم ربایی، و اعمال "مالیات" بالای رانندگان وسایط باربری، مغازه داران و کشاورزان، نیز در اختیار دارند. این همه به ملا باز محمد امکان این را میسر میسازد که با خرید جنگ افزار و استخدام جنگجویان بیشتر، نفوذ خود را در میان طالبان گسترش بدهد.

این وضعیت مولوی اسماعیل، مسئول نظامی شورای کویته را آشکارا رنجانده است. مولوی حبیب الله بدون در نظر داشت سلسله ی مراتب، پول های را که از افغانهای ساکن در شهر کویته – قلمرو شورای کویته طالبان – به دست میاورد؛ مستقیما به ملا باز محمد میفرستد. به همین دلیل اسماعیل در ماه گذشته به گردی جنگل سفر نموده و با حبیب الله دیدار میکند.

در جریان یک گفتگوی پر تنش، اسماعیل از حبیب الله میخواهد که حساب کامل تمام پولهای را که او در گذشته به ملا باز محمد فرستاده است، فراهم نماید. او همچنان به حبیب الله دستور میدهد که در آینده پول های جمع آوری شده را به شورای نظامی در کویته بسپارد. حبیب الله به صراحت از پذیرفتن این دستور خودداری نموده و میگوید که این پول ها متعلق به اسماعیل و یا طالبان نبوده بلکه دارایی قبیله نورزی میباشد. همچنان، حبیب الله از دادن حساب به اسماعیل نیز خودداری مینماید. اسماعیل هیچ بهانه ی را نمی پذیرد و به حبیب الله هشدار میدهد که در آینده از دستور های او پیروی نماید.

روز پس از این ماجرا، حبیب الله به منظور ادامه گفتگو به کویته سفر نموده با اسماعیل دیدار میکند. اما زمانی که آنها در یک خانه امن طالبان در این شهر با هم دیدار میکنند، حبیب الله در موقف خود تزلزل ناپذیر باقی ماند. او اصرار میورزد: شورای نظامی اسماعیل حق توزیع دارایی قبیله ای نورزی را ندارد. بگو مگو ها تا حدی شدت مییابد که اسماعیل به افراد خود دستور میدهد تا حبیب الله را دست بند زده در پایگاه مخفی طالبان در نزدیکی شهر کویته زندانی نمایند. حاجی کشمیر خان، یکی از سران قبیله نورزی، تلاش به میانجی گری نموده به رهبران طالبان هشدار میدهد که بازداشت حبیب الله "توهین به کل قبیله نورزی است". قبیله نورزی به این افتخار میکند که به ملا باز محمد "فعالترین فرمانده در فراه" کمک های مالی نموده است. اما این میانجی گری به جایی نمیرسد.

هنگامی که شاگردان مدرسه حبیب الله و فرمانده باز محمد از ماجرا آگاه میگردند، به سرعت دست به کار میشوند. باز محمد، بلافاصله با ارسال یک پیام، از عبدالقیوم ذاکر فرمانده ارشد طالبان، درخواست آزادی حبیب الله را مینماید. اما هیچ اتفاقی نمی افتد. پس از آن، باز محمد تصمیم میگیرد که خود به دیدار اسماعیل برود. او – همراه با سه داتسون پر از مردان مسلح -- به تاریخ ۲۳ جولای به خانه ی دو تن از فرماندهان طالب در شهرک کوچیلاک، در شانزده کیلومتری شمال غربی شهر کویته میرسد. آنها به آسانی به نیروی کوچک امنیتی اسماعیل چیره میشوند، رئیس شورای نظامی را دستگیر نموده پس از لت کوب، او را در یک بازداشتگاه خصوصی در نزدیکی مدرسه حبیب الله زندانی میسازند.

باز محمد، پس از دستگیر نمودن اسماعیل ، به شورای طالبان در کویته پیام میفرستد، که او حاظر است گروگان خود را با مولوی حبیب الله تبادله نماید. پس از گذشت بیش از یک هفته گفتگو های عاجل، سرانجام باز محمد با پنداشت اینکه حبیب الله به زودی آزاد خواهد شد، اسماعیل را روز چهارم آگست آزاد مینماید. با این وجود، به گفته یکی از فرماندهان شورای کویته، حبیب الله هشت روز دیگر را نیز در اسارت به سر میبرد. رهبری طالبان به یک کمیته وظیفه میدهد تا این مسئله را در پایان ماه رمضان برسی نماید.

این واقعه رهبری شورای کویته را شرمسار و رییس شورای نظامی آن را سرافگنده ساخته است. اما بیشتر از آن، باعث پیدایش کینه و بدگمانی میان قبیله نورزی، یکی از بزرگترین قبایل پشتون افغانستان، و فرماندهی ارشد طالبان شده است. ذبیح الله، یک مقام نزدیک به رهبری طالبان میگوید " تمام افراد قبیله نورزی هم اکنون به خاطر توهین و زندانی شدن امام خود به طالبان خشمگین استند". یک فرمانده مستقر در کویته که بنابر دلایل امنیتی نمیخواهد از او نام برده شود، نگران است که این واقعه ممکن است همبستگی طالبان را فرو بپاشد. او میگوید " نگرانی من این است که مبادا این اختلاف غیر قابل تصور، ما را از مقام جهاد مقدس پایین کشیده و تبدیل به گروه های رقیب معمولی و جنایتکار نماید". یک وزیر ارشد پیشین طالبان، که درخواست نموده است از او نام برده نشود، رهبری فعلی طالبان را مقصر می داند: "این بدبختی طالبان است، که بهترین جنگجویان آنها را کسانی با طرز فکر عقب مانده رهبری مینمایند".

به گفته وزیر پیشین و چندین تن از فرماندهان ارشد، رهبری ذاکر به همبستگی طالبان آسیب رسانده است. و اکنون دشمنی اسماعیل - باز محمد، یک بار دیگر توجه را به رد پای سنگین طالبان در داخل پاکستان جلب خواهد کرد. ادامه پیوند بین شورشیان افغان و نیروهای امنیتی پاکستان هر از گاهی شرمندگی بین المللی را به دولت اسلام آباد به ارمغان میاورد. توقع پاکستان از طالبان این است که مادامی که آنها در داخل پاکستان پناه برده اند، کمتر درد سر ایجاد نمایند. به گفته یک مقام اطلاعاتی دولت افغانستان" این واقعه یک بار دیگر نشان داد که نظام طالبان با آزادی تام در پاکستان عمل میکند".

این اختلاف می تواند فرصت ارزشمندی را برای نیروهای امریکایی در افغانستان فراهم نماید. رهبران قبیله نورزی تنها سران قبایل پشتون نیستند که با طالبان مشکل دارند؛ بسیاری از آنها از شورش های بی پایان و پیامد های آن خسته شده اند. اکنون باید امریکایی ها کاری کنند که سران ناراضی قبایل از طالبان بریده با دولت کابل پیمان آتش بس ببندند. اما اشکال کار در این است که سران قبایل به سادگی حاظر به دشمنی با طالبان نخواهند شد. انتظار میرود که نیروهای رزمی ایالات متحده افغانستان تا سال ۲۰۱۴ افغانستان را ترک بگویند، آنگاه ممکن است طالبان به حساب دشمنی های پیشین خود با قبایل برسند. اگر این اندیشه افغان ها را می ترساند، پس ما نباید آنها را سرزنش نماییم.

منبع:

http://www.thedailybeast.com/articles/2011/08/17/exclusive-a-feud-splits-afghanistan-s-taliban.html